

حسین علاء و روابط ایران و آمریکا

(۱۳۰۰-۱۳۰۳ش)

علی اکبر خدیری زاده

حسین علاء (۱۲۶۰-۱۳۴۳ش) ملقب به معین‌الوزراء، فرزند سوم میرزا محمدعلی خان علاء‌السلطنه از رجال مشهور دوره پهلوی اول و دوم بود که از سن هفده سالگی با استخدام در وزارت امور خارجه فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. وی در دوران زندگی سیاسی شصت و پنج ساله خود تصدی مقامات بالایی کشور چون وزارت فوائد عامه، نمایندگی مجلس شورای ملی، سفارت در کشورهای اسپانیا، آمریکا، فرانسه و انگلستان، مدیرکل بانک ملی، وزارت دربار، وزارت امور خارجه و نخست‌وزیری را به عهده داشت.

آنچه می‌خوانید بررسی نقش علاء به عنوان سفیر ایران در واشنگتن به منظور فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایجاد رابطه میان ایران و آمریکا طی سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ش یعنی سالهای پرتنش و پراهمیت تاریخ معاصر ایران بعد از افشای قرارداد معروف ۱۹۱۹ و مخالفت عمومی با آن و نیز سالهای پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ می‌باشد. و نیز نقش علاء در فراهم‌سازی امکانات سرمایه‌گذاری شرکتهای نفتی و سرمایه‌داران آمریکایی در ایران را روشن می‌سازد.

حسین علاء وزیرمختار ایران در اسپانیا به دلایل سیاسی که بدان اشاره خواهد شد در تاریخ ۱۷ اسد (مرداد) ۱۳۰۰/اوت ۱۹۲۱ از سوی احمدشاه به سمت وزیرمختاری ایران در آمریکا و سفارت اکرديته در مکزیك، آرژانتين و گواتمالا منصوب شد.^۱ و در

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۹ق، کارتن ۲۴، پوشه ۱.

تاریخ ۴ سنبله (شهریور) ۱۳۰۰ از مادرید به واشنگتن رفت.^۲

انتصاب علاء به این سمت همزمان با نخستین کابینه قوام السلطنه بود. با تشکیل این کابینه در ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۰ش/ژوئن ۱۹۴۱م دولت ایران برای تأمین وام موردنیاز کشور درصدد مذاکره با شرکتهای نفتی آمریکا برآمد. ابراز تمایل دولت قوام به داشتن رابطه با ایالات متحده ریشه در مسائلی داشت که اینک به شرح آن می‌پردازیم.

دولت آمریکا که از سال ۱۸۲۳م با پیروی از اصل سیاست خارجی مونرو دخالتی در امور سیاسی - اقتصادی کشورهای دیگر جهان - بجز کشورهای قاره آمریکا - نداشت، از اوایل قرن بیستم میلادی به بعد، به ویژه با حضور در جنگ جهانی اول، وارد رقابتهای بین‌المللی شد. عمده‌ترین دلایلی که می‌توان برای این امر در نظر گرفت مواردی از قبیل نیاز اساسی آمریکا به مواد خام ارزان قیمت، رقابتهای اقتصادی آن کشور با دول قدرتمند اروپا و لزوم حضور بیشتر آمریکا در بازارهای بین‌المللی بود با این حال هنوز سیاست مشخصی راجع به حضور سیاسی - اقتصادی خود در ایران نداشت.

به عبارت دیگر، رجال سیاسی آمریکا موضع متفاوتی در این خصوص ایجاد می‌کردند. به ویژه آنکه جناح طرفدار اصل مونرو در مقابل جناح دیگر وزارت خارجه آمریکا که خواهان توسعه روابط آن کشور با دول دیگر جهان بود اعتقادی به این کار نداشت.

با همه این احوال از اوایل قرن بیستم ایالات متحده که به پیشرفتهای زیادی نایل شده بود خود را حامی و طرفدار ملتهای ضعیف معرفی می‌کرد و همین امر رجال سیاسی آن

۲. مجله ایران و آمریکا، سال اول، شماره ۳، فروردین ۱۳۲۵، احمدشاه در بخشی از استوارنامه علاء به مسیو هاردینگ رئیس‌جمهور آمریکا می‌نویسد:

جناب عظمت و شوکت‌مآب دولت و جلالت انتساب مسیو هاردینگ رئیس‌جمهوری انازونی دولت مفخم، مهربانا، چون تزئید روابط ودادیه و تشیید میبانی دوستی و یگانگی، که خوشبختانه از قدیم‌الایام بین دولت ایران و آمریکا موجود بوده و همواره از احص اَسال و آرزوهای ما می‌باشد، خواستیم پس از احضار وزیرمختار سابق یک نفر از خدمتگزاران کافی کاردان خودمان را مأمور دربار آن جناب شوکت‌مآب فرماییم. لهذا جناب میرزاحسین خان علانی وزیرمختار سابق دولت علیه ایران در مادرید را که به دولتخواهی و صداقت او اطمینان کامل داریم به سمت وزیرمختاری و ایلچی مخصوص خودمان مأمور دربار آن جناب عظمت‌مآب فرموده امیدواریم که مشارالیه را مأمور متعهد ما دانسته و بیانات او را که حاکی از نیات حسنه ما در ازدیاد روابط دوستی [و] وداد دولتی و تحکیم مناسبات حسنه و جانین می‌باشد، به سمع قبول تلقی نموده و در پیشرفت مقاصد و مطالب اظهاریه او لازمه مساعدت و همراهی را به عمل آورید... (باقر عاقلی، نخست‌وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۷۰، ص ۷۱۰)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال مع علوم انسانی

روز ایران را بر آن داشت که برای رهایی از سلطه روس و انگلیس، به آن کشور متمایل شوند، به ویژه اینکه آن کشور به علت اتخاذ سیاست بی طرفانه محبوبیت خاصی در میان مردم ایران به دست آورده بود. همچنین بعد از خاتمه جنگ جهانی اول نیز در حالی که دولت انگلستان با مطرح شدن دعوای ایران در کنفرانس صلح ورسای مخالفت می ورزید، ایالات متحده از تقاضای دولت ایران حمایت کرد و اگرچه بعداً به دلیل مخالفت صریح انگلستان سیاست بی طرفی اتخاذ نمود، ولی سفیر امریکا در تهران به موضع اخیر واشنگتن اعتراض کرد و اظهار داشت که این سیاست به اعتبار و نفوذ آمریکا در تهران لطمه وارد آورده است.^۳

به دنبال آن در نهم اوت ۱۹۱۹ توافق ایران و انگلیس - که در طی مذاکرات صلح پاریس در تهران جریان داشت - علنی شد. برطبق ماده دوم این قرارداد انگلستان موافقت کرد «خدمات هر عده مستشار و متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد.» همچنین در ماده سوم مقرر شد «دولت انگلیس به هزینه دولت ایران صاحب منصبان و ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل نیروی متحدالشکلی که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در داخل و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد.»^۴ مضافاً اینکه برای تهیه وجوه مالی لازم جهت اصلاحات مذکور دولت انگلستان وامی به مبلغ دو میلیون پوند با سود ۷٪ به دولت ایران بپردازد.^۵ در ماده پنجم نیز آمده بود که دولت انگلستان به منظور توسعه تجارت در ایران حاضر به اصلاحاتی در زمینه راه آهن و وسایل ارتباطی دیگر خواهد بود. در واقع انعقاد این قرارداد موجب از بین رفتن استقلال سیاسی - اقتصادی ایران و سلطه انگلیس بر این کشور می شد. به عبارت دیگر دولت انگلستان می خواست از خلاء ناشی از انقلاب بلشویکی در روسیه و از سیاست عدم مداخله آمریکا به نفع خود بهره برداری نماید.

در این زمان، خروج روسیه از شمال ایران امکان اکتشاف نفت در پنج استان شمالی ایران را برای کمپانیهای آمریکایی فراهم ساخته بود. از سوی دیگر، میزان استخراج نفت توسط شرکت نفت ایران و انگلیس نشان داد که در ایران منابع غنی نفت وجود دارد. علاوه بر این، شرکتهای عظیم نفتی آمریکا با سرمایه زیاد خود خواهان گسترش

۳. آبراهام یسلون، روابط سیاسی ایران و آمریکا (۱۹۲۱-۱۸۸۳م)، ترجمه محمدباقر آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷.

۴. ایرج ذوقی، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ ۱۹۲۵-۱۹۰۰، تهران، پازنگ، ۱۳۶۸، ص ۲۸۱.

۵. یسلون، پیشین، ص ۲۰۷.

فعالتهایشان در خاورمیانه بودند.^۶ از این رو، دولت آمریکا بعد از شنیدن خبر قرارداد ۱۹۱۹ که تمامی ایران را در اختیار انگلستان قرار می‌داد مخالفت علنی خود را ابراز داشت و لاتسینگ وزیر امور خارجه آمریکا نارضایتی دولت آمریکا را از قرارداد محرمانه انگلیس که سرپیچی علنی از بیانه ویلسون مبنی بر علنی بودن قراردادها محسوب می‌شد اظهار داشت. او همچنین گفت:

بالفور وزیر خارجه انگلیس هر سه تقاضای وزیر خارجه آمریکا را برای پذیرفتن ایران در کنفرانس صلح ورسای رد کرد و حال کاملاً روشن شده که دلیل بالفور در رد پیشنهاد آمریکا، مذاکرات پشت پرده‌ای بوده که حداقل کنترل کامل اقتصادی ایران را برای انگلستان فراهم ساخته است.^۷

ایالات متحده همچنین تصمیم گرفت کلیه مکاتباتی را که در مورد قرارداد ۱۹۱۹ با دولت انگلستان داشته است منتشر سازد.^۸ علاوه بر این، وزیر امور خارجه آمریکا رسماً به دولت ایران اعلام داشت که کشورش آماده است هرگاه ایران خود را نیازمند آمریکا دید به کمکش بشتابد.^۹

به هر حال مخالفت صریح آمریکا با قرارداد ۱۹۱۹ موجب تقویت نظرات و دیدگاههای خط سومی شد که تنها راه رهایی ایران از سلطه سیاسی - اقتصادی انگلستان را برقراری رابطه با ایالات متحده می‌دانست.^{۱۰} به عبارت دیگر:

ایرانیان امیدوار بودند بتوانند نفت را طعمه قرار داده و آمریکا را اغوا کنند تا نقش بیشتری در حمایت از ایران ایفا نماید و بدین ترتیب آمریکا را به خصومت با انگلستان وادار کند.^{۱۰}

به بیان دیگر، «زمانی که آمریکا به قرارداد ایران و انگلیس حمله کرد راه نفوذ را برای ورود به ایران باز کرد»^{۱۱} لیکن پس از چندی از جدایی بیشتر از انگلستان منصرف شد و

۶ همان، ص ۲۵۵. ۷ همان، ص ۲۱۵.

۸ اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی.

تهران، کیهان، ۱۳۶۵، ج ۲، صص ۷-۸. ۹ همان، ص ۳۱۴.

* البته این دیدگاه از زمان صدارت میرزاتقی خان امیرکبیر به بعد مطرح شده بود. از آن تاریخ به بعد به دلیل مداخلات روس و انگلیس در امور داخلی ایران، این اندیشه مطرح شد که دولت ایران برای رهایی یافتن از سلطه روس و انگلیس، یکی از قدرتهای رقیب را بر ضد دیگری تحریض نماید یا در غیر این صورت با قدرت ثالثی رابطه برقرار کند. ۱۰. آبراهام ویلسون، پیشین، ص ۲۵۴.

۱۱. همان.

به تدریج در سیاست سابق خود تغییراتی داد و تا اواخر سال ۱۹۲۱ کاملاً آشکار شد آمریکا آمادگی ندارد سیاست عدم مداخله (اصل مونرو) را کنار بگذارد و مایل است از سیاست مخالفت‌آمیز خود با انگلستان که در سال ۱۹۱۹ به کار گرفته بود، دست بردارد.^{۱۲}

به هر حال مخالفت جدی رجال ملی - مذهبی ایران و اعتراض صریح دولت آمریکا نسبت به قرارداد ۱۹۱۹ منجر به لغو آن گردید. دولت انگلستان برای جبران شکست خود متوجه اقدامات دیگری شد که به کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط رضاخان و تشکیل کابینه کودتا به ریاست سیدضیاءالدین طباطبایی انجامید. لیکن سید ضیاء به علت اختلافاتی که با رضاخان پیدا کرد پس از چهار ماه از کار برکنار شد و قوام‌السلطنه مأمور تشکیل کابینه جدید گردید. قوام در ابتدای کار با مشکلات مالی شدیدی مواجه شد از این رو درصدد دریافت وام از خارج برآمد. در چنین اوضاع و احوالی روسها سرگرم مشکلات داخلی خود بودند و انگلستان هم که خواهان اجرای قرارداد ۱۹۱۹ بود، حاضر به پرداخت هیچ وامی - جز در چهارچوب قرارداد مذکور - نبود. از سوی دیگر، فضای سیاسی ضد انگلیسی در داخل کشور مانع از برقراری رابطه میان ایران و انگلستان می‌شد. مهمتر از آن اغلب رجال ملی - مذهبی ایران خواهان رهایی از سلطه چندین ساله انگلیس بودند. به همین دلیل قوام‌السلطنه به آمریکاییها روی آورد. قوام در نظر داشت منابع نفت شمال را در قبال دریافت وام، در اختیار شرکتهای نفتی آمریکا بگذارد. در این هنگام حسین علاء به وزیرمختاری ایران در آمریکا منصوب شد تا بلکه بتواند در برقراری روابط اقتصادی ایران با ایالات متحده نقش مؤثری ایفا نماید. علاء مأموریت داشت در دو زمینه فعالیت نماید: ۱. دریافت وام ۲. استخدام مستشاران آمریکایی برای سرو سامان دادن به وضع مالی ایران.

۱. دریافت وام

قوام‌السلطنه برای هر نوع اصلاحات نیاز به پول داشت. تهیه پول از منابع داخلی امکان‌پذیر نبود؛ ناگزیر در صدد اخذ وام از یک کشور خارجی برآمد. اوضاع داخلی شوروی اجازه پرداخت این وام را نمی‌داد. دولت انگلستان نیز، همان طوری که ذکر شد، خواهان اجرای قرارداد ۱۹۱۹ بود و از پرداخت چنین وامی خودداری می‌ورزید. دول دیگر اروپایی نیز در وضعی نبودند تا به دولت ایران وام بدهند. از این رو قوام‌السلطنه متوجه شرکتهای نفتی آمریکا شد.

۱۲. همان.

اوضاع وخیم اقتصادی به جایی رسید که قوام السلطنه در نامه مورخ ۹ نوامبر ۱۹۱۱/ ۱۸ عقرب (آبان) ۱۳۰۰ به علاء نوشت: «اگر وجه فوری نرسد رشته امور به کلی گسیخته می‌شود. تنها امید به جدیت جناب عالی است.»^{۱۳}

قوام السلطنه همچنین در تلگراف مورخ ۱۹ آذر ۱۳۰۰ در تأکید دریافت وام از آمریکاییها به علاء نوشت: «حقوق قشون و پلیس چهار ماه است نرسیده و ایجاد زحمت خواهد کرد؛ جدیت نمائید لاقلاً تا میزان یک میلیون دلار به فوریت برسانید.»^{۱۴}

قوام السلطنه برای اینکه کار دریافت وام سریع‌تر انجام گیرد و دچار مشکلات قانونی نشود به علاء اختیار تام داد. در این زمان دولت ایران حاضر شد در برابر دریافت وام، اعتبار نفت شمال را به یک شرکت آمریکایی به نام استاندارد اویل نیوجرسی واگذار نماید. متعاقب آن حسین علاء سفیر ایران در واشنگتن اعلام داشت: «شرکت نفت انگلیس و ایران می‌خواهد امتیاز نفت را در پنج ایالت شمالی ایران به دست آورد و دولت ایران ترجیح می‌دهد که چنین امتیازی را به اتازونی بدهد.»^{۱۵} لیکن در ملاقاتی که بین وزیرمختار آمریکا و وزیر امور خارجه ایران صورت گرفت و موضوع امتیاز مذکور مطرح شد، وزیر امور خارجه ایران اظهار داشت که امتیاز خوشناریا^{۱۶} فاقد اعتبار است و او درباره امتیاز نفت به شرکتهای آمریکایی هم نمی‌تواند اظهار نظر کند و چون مجلس شورای ملی تعطیل است این موضوع پس از آنکه مجلس رسماً تشکیل شد باید مورد مذاکره قرار گیرد.^{۱۷}

در همین زمان علاء، وزیرمختار ایران در آمریکا، با ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه درخواست کرد «برای قرضه‌ای که باید در آمریکا به عمل آید صورت

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی

۱۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۰۳۵۰۰۷.
۱۴. ابراهیم صفائی، نخست‌وزیر ایران، تهران، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۲۶۱.
۱۵. علی‌اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، علمی، ۱۳۷۲، ص ۵۸۲.
۱۶. این امتیاز که در مورد استخراج نفت در مناطق شمال کشور بود در سال ۱۲۷۴ش/ ۱۸۹۶م از سوی ناصرالدین شاه به محمدولی خان تنکابنی داده شد. در سال ۱۲۹۴ش/ ۱۹۱۶م یک نفر روسی به نام آکاکی مددویچ خوشناریا امتیاز فوق را از محمدولی خان خریداری نمود. خوشناریا فردی به نام محمدجعفر را برای استخراج نفت در رأس گروهی روانه ایران ساخت. این گروه اقدامات اولیه خود را آغاز کرد، لیکن به علت وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه کارشناسان شرکت خوشناریا ایران را ترک گفتند. خوشناریا نیز درصدد فروختن این امتیاز برآمد و پس از مدتی این امتیاز را در حالی که از سوی دولت جدید روسیه شوروی ملغی اعلام شده بود به شرکت نفت ایران و انگلیس واگذار نمود و این امر موجب رقابتهای شدید میان انگلستان و آمریکا و شوروی گردید. ۱۷. همان، ص ۵۸۲.

جامعی از قروض دولت و محل پرداخت آن و کلیه جمع و خرج مملکت را»^{۱۸} برای او ارسال دارند. از سوی دیگر پس از کسب موافقت وزارت خارجه آمریکا، با مشورت و همکاری مورگان شوستر، مذاکرات خود را با نمایندگان کمپانی استاندارد اویل نیوجرسی آغاز کرد.

پس از چندی علاء در نامه مفصل خود به وزارت امور خارجه خیر داد که از مستر شوستر وکیل مالیه دولت ایران خواسته شده است که اقدامات مربوط به امتیاز نفت شمال و دریافت وام مورد نیاز دولت ایران را به انجام رساند. علاء همچنین به دولت ایران اطلاع داد که مستر شوستر با استاندارد اویل نیوجرسی داخل مذاکره شده و زمینه امتیاز نفت شمال و استقراض یا وثیقه عایدی دولت از نفت جنوب را فراهم کرده است. علاء در این نامه خاطر نشان ساخت که دولت ایران با وثیقه قرار دادن عایدات نفت جنوب موفق نخواهد شد که آمریکاییها را به دادن وام راضی کند.

وی مشروح مذاکرات مفصل خود با مستر شوستر و مستر لانسینگ مستشار حقوقی دولت ایران و نیز شرایط اعلام شده از سوی کمپانی استاندارد اویل را که در شانزده صفحه تهیه و تنظیم شده بود به استحضار دولت ایران رساند. علاء همچنین شرایط دریافت وام و واگذاری امتیاز نفت شمال را که مستر شوستر تهیه و پیشنهاد کرده بود به شرح زیر اعلام نمود:

الف - شرایط وام:

اولاً قرض، خصوصی باشد و تا دو سال اسناد آن در بازار فروخته نشود به این منظور که قیمت آنها را بالا نگاه دارند تا برای استقراض بیشتر از پنج میلیون زمینه مساعد باشد. ثانیاً مدت قرض پنج سال و اسناد آن صدی صد باشد به این معنی که دولت صد دلار دریافت و صد دلار مسترد نماید، نه اینکه مانند قروض سایر دول صد دلار سند بدهد و نود دلار بگیرد و لذا متحمل ضرر بشود.

ثالثاً دولت علیه قادر باشد هر وقت قرض خود را با تنزل تا تاریخ پرداخت ادا کند. از طرف دیگر با اینکه سایر دول ۸٪ قرض کرده و اسناد را کمتر از صد فروخته‌اند و در واقع فرع قرض آنها ۹٪ تمام می‌شود نرخ تنزل قرض دولت علیه ۲٪ قرار داده شود. رابعاً وثیقه، عایدی نفت جنوب باشد تا میزان یک میلیون بابت اصل و سیصد و پنجاه هزار دلار بابت فرع که هر ساله پرداخت شود. علی‌هذا بیش از یک میلیون از عایدی

۱۸. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم شماره ۲۴۰۰۰۴۷۰۹، شماره فیش ۰۰۸۴۰۰۲۹، حلقه ۸۴، پرونده ۲۹.



اجتماعی از نمایندگان کشورها در سازمان ملل در صف جلو پرنس
رضاخان ارفع‌الدوله و حسین علاء دیده می‌شوند [۵۲۸۶-۱]

نفت برای دولت باقی می‌ماند. عایدی تحدید تریاک و توتون هم وثیقه درجه دوم باشد و افساط قروض وقتی از این دو محل اخیر برداشته شود که عایدی دولت از نفت کسر بیاید.^{۱۹}

ب - شرایط واگذاری امتیاز نفت شمال:

۱. حق استخراج نفت در استانهای آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسان خواهد بود مگر اینکه دولت ایران، آذربایجان و خراسان را تفکیک کند.
۲. مدت این امتیاز از تاریخ انعقاد قرارداد ۵۰ سال است. در طی یک سال کارشناسان شرکت، آزمایش کرده چاه می‌زنند و صورت عملیات را برای دولت ایران حاضر می‌کنند. در مدت دو سال حداقل یک چهارم و در مدت دو سال بعد یک چهارم دیگر از قلمرو امتیاز را به دولت برمی‌گردانند و کمپانی در ظرف پنج سال از تاریخ قرارداد باید تمام زمینهای مطلوب خود را تعیین و بقیه آن را رها نماید و پس از آن دولت در آن زمینها مختار خواهد بود.
۳. شرکت حق لوله‌کشی خواهد داشت ولی «مانع‌الغیر» نخواهد بود.

۱۹. بایگانی اسناد وزارت خارجه ایران، سال ۱۳۰۱ش، کارتن ۳۹، دوسیه ۸

۴. سهم دولت ایران ده درصد از کلیه نفتی است که از چاه استخراج می‌شود و اگر بهای هر بشکه را دو دلار فرض کنیم سهم دولت ایران از هر یک بشکه (بارل) ۲۰ سنت خواهد بود و طبق صورت حساب درآمد نفت جنوب روزی ۶۵۰۰۰۰ بشکه است. بنابراین عایدی دولت سالیانه چهار میلیون دلار می‌شود. در صورتی که دولت ایران ۶۰۰۰۰۰ لیره دریافت می‌کند که از قرار هر لیره، چهار دلار، دو میلیون و چهارصد هزار دلار خواهد بود.

۵. صاحب امتیاز، کمپانی نفت نیوجرسی است که از معتبرترین کمپانیهای نفت دنیاست. احتمال می‌رود که اگر نفت پیدا شد یک شعبه ایرانی تشکیل دهند و قریب به بیست و پنج میلیون هزینه لوله‌کشی نمایند. جوانان ایرانی را آموزش فنی بدهند و به استخدام کمپانی دریاورند...^{۲۰}

بعد از گفت‌وگوهای زیاد بالاخره کمپانی مذکور حاضر شد در صورت دریافت امتیاز نفت شمال و ام مورد تقاضای ایران را، که ده میلیون دلار بود، پرداخت کند. سرانجام، مجلس شورای ملی در ۲۱ نوامبر ۱۹۲۱ / ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۰ قانون اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت نفت استاندارد نیوجرسی را تصویب کرد. «بر پایه این امتیاز که شامل پنج ایالت شمالی ایران می‌شد، دولت ایران دست کم ده درصد ارزش ناخالص نفت استخراج شده را دریافت می‌کرد. ماده پنج قرارداد تصریح می‌کرد که هیچ‌گونه مشارکت، انتقال حقوقی یا فراری با طرف سوم نباید بدون تصویب مجلس صورت گیرد.»^{۲۱}

پس از اینکه امتیازنامه فوق به تصویب مجلس شورای ملی رسید، دولتین انگلستان و شوروی شدیداً به آن اعتراض کردند. در تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۹۲۱ م / ۲ دی ماه ۱۳۰۰ ش، روتشتین وزیرمختار شوروی در تهران، اعتراض رسمی دولت شوروی را به دولت ایران تسلیم کرد. دولت شوروی این اقدام دولت ایران را ناقض مدلول ماده سیزده قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی دانسته و یادآور شده بود که امتیازی را که براساس قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی به ایران واگذار شده است نباید به یک قدرت ثالث دیگر و یا اتباع آن داد و لذا از دولت ایران خواسته شده بود که حقوق و امتیازات را برای ملت ایران نگه دارد.^{۲۲}

دولت ایران در پاسخ به اعتراض دولت شوروی یادآور شد که امتیاز خوشتاریا هیچ ربطی به قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی ندارد. امتیاز خوشتاریا هرگز دارای ارزش

۲۰. همان سند.

۲۱. اول سابق نفت ایران، ترجمه رضا رئیس طوسی، تهران، انتشارات صابرین، ۱۳۷۳، ص ۵۴.

۲۲. ایرج ذوقی، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، تهران، انتشارات پازنگ، ۱۳۷۰، ص ۸۵.

قانونی نیست چرا که به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده است.^{۲۳} در پاسخ به ادعاهای دولت شوروی و شرکت نفت ایران و انگلیس، علاء نیز نامه‌ای به وزارت خارجه آمریکا ارسال داشت و در آن نامه اعلام کرد که:

امتیازاتی که قبل از انقلاب مشروطه به روسها داده شده است به زور بوده و بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه شوروی غیرقانونی اعلام شده است. امتیازاتی نیز که بعد از سال ۱۹۰۶ (بعد از مشروطه) به روسها داده شده است بایستی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد. از آنجایی که امتیاز خوشناریا به تصویب مجلس نرسیده است بدون اعتبار بوده و دولت انگلستان نیز درخصوص خرید این امتیاز از روسها، کار غیرقانونی انجام داده است. بدین ترتیب امتیاز خوشناریا لغو و غیرقانونی اعلام می‌گردد.^{۲۴}

علاء همچنین در نامه‌ای که برای قوام‌السلطنه رئیس‌الوزرا ارسال داشت نوشت: تأخیر انجام مساعده به واسطه دسائس و ضدیت دولت انگلیس است که امروز کشف شد که نمی‌خواهند استاندارد اوایل داخل ایران شود. متأسفانه رأی بزرگترین علمای حقوق آمریکایی استاندارد را تشویق نمی‌کند. یک هفته است شب و روز در نیویورک سعی دارد کار تمام شود. لازم نیست عرض نمایم تا چه اندازه افسرده هستم. فوراً قطعاً تلگراف خواهم کرد چه واقع شده و اوضاع از چه قرار است. اگر با استاندارد ممکن نشد کار صورت نگیرد با کمپانی دیگر آمریکا مذاکره خواهم کرد. واجب است حضرت اشرف به هیچ‌وجه تزلزل به خودتان راه ندهید زیرا افتادن کابینه در مقابل فشار خارجه برای مملکت بسیار مضر خواهد بود. مطمئن باشید که شوستر و بنده تا آخرین درجه اهتمام خواهیم کرد در آمریکا زود نتیجه گرفته شود و مایوس نیستیم.^{۲۵}

در چنین اوضاع و احوالی دولت انگلستان نیز، با طرح موضوع بازپرداخت بدهیهای معوقه ایران، تقاضا داشت دولت ایران هرچه سریع‌تر به درخواستهای انگلستان گردن نهاده.^{۲۶}

۲۳. همان.

۲۴. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۵ش، کارتن ۱۶، دوسیه ۵.

۲۵. باقر عاقلی میرزا احمدخان قوام‌السلطنه در دوران قاجاریه و پهلوی. تهران. سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶. صص ۲۲۴ و ۲۲۵.

۲۶. ابراهیم سنجر. نفوذ آمریکا در ایران. تهران، بی‌نا، ۱۳۶۸. ص ۱۳۴.

از سوی دیگر شرکت نفت ایران و انگلیس که پی برده بود از طریق دولت ایران نمی‌تواند کاری انجام دهد درصدد برآمد با تهدید و ایجاد موانعی برای کمپانی استاندارد اویل نیوجرسی، آمریکاییها را وادار به سازش نماید. «کمپانی نفت ایران و انگلیس برای آمریکاییها استدلال می‌کرد که اولاً ایران قادر نیست امتیازی را که داده است بدون تشریفات قانونی ملغی نماید... ثانیاً کمپانی نفت ایران و انگلیس به موجب امتیاز داری حق انحصاری ایجاد لوله نفت به خلیج فارس و حمل و نقل مواد نفتی در سراسر ایران به استثنای ایالات شمالی را در دست دارد و کمپانی استاندارد اویل قادر به صدور نفت استخراج شده از ایالات شمال ایران نخواهد بود، چرا که کمپانی استاندارد یا باید نفت خود را از طریق شوروی صادر نماید - که امری بعید به نظر می‌رسد - و یا اینکه برای حمل آن به خلیج فارس از طریق لوله‌های نفتی باید دست به دامان کمپانی نفت ایران و انگلیس شود». انگلیسیها با این استدلالات آمریکاییها را راضی کردند تا شرکت نفت ایران و انگلیس را در امتیاز به دست آورده شریک سازند. در ۳۱ دسامبر ۱۹۲۱ وزارت خارجه آمریکا و سفارت انگلیس در واشنگتن موافقتنامه‌ای امضا کردند که در آن تأکید شده بود که هرگاه برای هر یک از دولتین آمریکا و انگلستان لازم شود تا اقدامی درباره امتیاز خوشناریا در ایران انجام دهد هیچ یک از دولتین بدون اطلاع دیگری دست به چنان اقدامی نزنند.

بالاخره پس از مذاکراتی که بین انگلستان و آمریکا به عمل آمد قراردادی بین کمپانی استاندارد اویل و کمپانی نفت ایران و انگلیس منعقد شد و قرارداد مزبور که مورگان شوستر آن را تهیه و تنظیم کرده بود در ۲۸ فوریه ۱۹۲۲ / ۹ اسفند ماه ۱۳۰۰ توسط کاردار آمریکا در تهران به نخست‌وزیر ایران تسلیم شد. به موجب این قرارداد شرکت جدیدی به نام «شرکت نفت ایران و آمریکا» با مشارکت کمپانی استاندارد اویل و شرکت نفت ایران و انگلیس تشکیل شد. این شرکت امتیاز بهره‌برداری از منابع نفت شمال ایران را به خود اختصاص می‌داد. دولت ایران که نسبت به اقدام کمپانی استاندارد اویل ظنین شده بود قرارداد مشارکت دو کمپانی را نپذیرفت و حسین علاء طی یادداشتی که به وزارت خارجه آمریکا تسلیم کرد، ضمن اعتراض به قرارداد فوق، یادآور شد که دولت ایران با مداخله یا مشارکت کمپانی نفت ایران و انگلیس در امر امتیاز شمال که به آمریکاییها واگذار شده مخالف است.^{۲۷}

سرانجام برای رفع این مشکل، در تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۳۰۱ مجلس شورای ملی ضمن اصلاح قانون ۳۰ آبان ۱۳۰۰ به دولت اختیار داد تا امتیاز نفت شمال را به کمپانی

۲۷. ایرج ذوقی، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، ص ۸۶-۸۷.



قوام السلطنه [۲۳۱۷-۱۱]

استاندارد اوایل و یا هر کمپانی معتبر مستقل دیگر آمریکایی واگذار نماید مشروط بر اینکه کمپانی امتیاز گیرنده بتواند مبلغ ده میلیون دلار قرضه به وسیله بانکهای آمریکایی در اختیار دولت ایران بگذارد. ماده پنجم قانون ۳۰ آبان نیز به این ترتیب اصلاح شد که کمپانی امتیازگیرنده حق واگذاری حقوق خود را به دولت و یا شرکت دیگری ندارد.^{۲۸} در همین زمان یک کمپانی نفتی دیگر آمریکایی به نام سینکلر در صحنه ظاهر شد و پیشنهاد جدیدی به دولت ایران تسلیم نمود. به دنبال آن قوام السلطنه در نامه‌ای که برای علاء فرستاد اعلام داشت که دولت ایران حاضر است امتیاز نفت شمال را به شرکت سینکلر واگذار کند. چون این شرکت حاضر به پرداخت ده میلیون دلار قرضه به ایران می‌باشد مجلس شورای ملی مخالف است که شرکت نفت ایران و انگلیس در موضوع امتیاز نفت شمال، با شرکت استاندارد اوایل مشارکت داشته باشد.^{۲۹}

۲۸. همان، ص ۸۸.

۲۹. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۵، کاترین ۱۶، دوسیه ۱۵.

به دنبال آن، مذاکره با شرکت نفت استاندارد نیوجرسی در نیویورک از سر گرفته شد و دولت نیز با نماینده شرکت نفت سینکلر در تهران به تبادل نظر پرداخت. در این زمان دولت شوروی نیز امتیاز نفت ساخالین را به شرکت سینکلر واگذار کرده بود و این امر موجب تشویق شرکت سینکلر برای فعالیت در ایران شد. چون از این پس شرکت سینکلر به راحتی می‌توانست نفت ایران را از طریق شوروی صادر نماید. به هر حال در اوت ۱۹۲۲/ مرداد ۱۳۰۱ از هر دو شرکت خواسته شد پیشنهادهای نهایی خود را اعلام نمایند. اختلاف عمده این بود که استاندارد نیوجرسی پرداخت درصدی از ارزش نفت خام تولیدی را پیشنهاد کرده بود در حالی که پیشنهاد سینکلر درصدی از سود خالص را در برمی‌گرفت. مشکل دیگری که باید حل می‌شد انحصار خطوط لوله و حمل نفت شرکت نفت انگلیس و ایران در جنوب تنها از راه روسیه بود و این خود موافقت روسها را برای انعقاد هر قرارداد جدیدی طلب می‌کرد.^{۳۰}

در اواسط سپتامبر ۱۹۲۲/ شهریور ۱۳۰۱ دولت پیش‌نویس موافقتنامه‌ای را تدارک دید که جنبه‌هایی از هر دو پیشنهاد در آن گنجانده شده بود. این پیش‌نویس پس از تصویب مجلس در ماه نوامبر/ آبان به هر دو شرکت تسلیم شد. شرکت نفت استاندارد نیوجرسی پیشنهاد را رد کرد، اما سینکلر آن را پذیرفت. به این ترتیب مذاکره با سینکلر ادامه یافت... در ژوئن ۱۹۲۳/ خرداد ۱۳۰۲ مجلس سینکلر را به عنوان نامزد برنده امتیاز تأیید کرد و تغییر یافته امتیاز در ماه سپتامبر/ شهریور به امضا رسید.^{۳۱}

با وجود آن علاء همچنان به تلاشهای خود برای انعقاد قرارداد با شرکت استاندارد اوایل ادامه داد و در تاریخ ۱۸ میزان (مهر) ۱۳۰۲/ ۱۱ اکتبر ۱۹۲۳ در نامه‌ای خطاب به رئیس‌الوزرا نوشت:

... به اتفاق مستر شوستر با مدیران کمپانی استاندارد اوایل ملاقات و مفصلاً مذاکرات لازمه را به عمل آورد. بیشتر کوشش بر این بود که حتی‌المقدور اهتمام شود کمپانی مزبور حاضر برای قبول مواد قانون مصوبه بشود.^{۳۲}

علاء همچنین افزود متأسفانه طرز برخورد دولت ایران درخصوص امتیاز نفت شمال به گونه‌ای بوده است که امید موفقیتی در این راه، دور از تصور است. اکتشاف مقدار

۳۰. الول ساتن، پیشین، ص ۵۵. ۳۱. همان، ص ۵۶. ۳۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۱۲۲۹-ن.

زیادی نفت در بخشهای غربی آمریکا، قیمت نفت را پایین آورده است و هم از اشتهای کمپانیهای بزرگ برای استخراج نفت جدید کاسته است.^{۳۳} با این حال پس از چندی دولت توانست طبق قانون جدید قراردادی با نمایندگان سینکлер منعقد سازد (آذر ماه ۱۳۰۴ / دسامبر ۱۹۲۳) و طبق آن قرارداد امتیاز نفت خراسان و آذربایجان و مازندران و گرگان را به شرکت سینکлер واگذار نماید.^{۳۴} با انعقاد این قرارداد سردار سپه نخست‌وزیر وقت در مجلس جشنی که به همین مناسبت در تهران برگزار شده بود به کاردار سفارت آمریکا می‌گوید:

من این موقع را یکی از بهترین مواقع تاریخ ایران می‌دانم؛ ما می‌خواهیم سلطه اقتصادی انگلیس و روس را از بین ببریم و امضای این امتیاز با یک شرکت آمریکایی مقدمه روابط مستحکم‌تری بین ایران و آمریکا خواهد بود.^{۳۵}

با توجه به حمایت انگلیس برای روی کار آوردن رضاخان و نیاز وی برای چنین حمایتی به منظور تثبیت قدرت خود در ایران، بعید به نظر می‌رسد که رضاخان درصدد از بین بردن سلطه اقتصادی انگلیس در ایران بوده باشد بلکه هدف اصلی او از چنین اظهاراتی، چیزی جز کسب حمایت یا دست کم سکوت موضعی مخالفان سیاست انگلیس در ایران به منظور گذر از آن مرحله خطیر نبوده است.

با اعطای این امتیاز به کمپانی سینکлер، دولت انگلستان، شرکت نفت ایران و انگلیس، کمپانی استاندارد اوپل و مخالفان ایرانی کمپانی سینکлер دست به دست هم داده فعالیت دامنه‌داری را بر ضد کمپانی سینکлер آغاز کردند و موجب مشکلاتی برای آن شرکت در ایران شدند.

در همین ایام واقعه سقاخانه در خیابان شیخ هادی تهران و قتل مازور ایمری نایب کنسول آمریکا اتفاق افتاد (۲۷ تیر ماه ۱۳۰۳)، و این امر بهانه به دست شرکت سینکлер داد تا با عنوان کردن عدم امنیت در ایران نمایندگان خود را از ایران خارج نماید. زور لنجافسکی که رویداد قتل مازور ایمری را در ارتباط مستقیم با امتیاز شمال دانسته است در این مورد می‌نویسد:

... در این اثنا در تهران رویدادهای پرمعنایی اتفاق افتاد. روزی که مجلس به لایحه واگذاری امتیاز رأی داد حریق بزرگی در ساختمان مجلس روی داد. حریق عمدی بود و عامل آن توقیف شد. رویداد پراهمیت‌تر قتل معاون کنسولگری آمریکا در ایران

۳۳. همان سند.

۳۴. ایرج ذوقی. مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، ص ۹۲.

۳۵. مصطفی فاتح. پنجاه سال نفت ایران، تهران، شرکت سهامی چهار، ۱۳۳۵، ص ۳۳۸.

بود. ظن قوی بر آن است که هر دوی این رویدادها با مسئله نفت پیونده داشته است.^{۳۶}

مصطفی فاتح این دیدگاه را که معتقد است واقعه قتل ایمری ناشی از مسائل مربوط به امتیازات نفت شمال بوده رد کرده و می‌نویسد:

... اینکه گفته شده است به واسطه قتل ایمری امتیاز نفت شمال را کمپانی سینکلر رد کرد کاملاً پوچ و بی‌معنی است و مقامات رسمی آمریکا که بهترین و بی‌طرفانه‌ترین قضاوت را کرده گفته‌اند که هر شرکت آمریکایی که امتیاز نفت شمال را به دست آورد ناچار بود با انگلیسیها بند و بستی کند تا بتواند نفت شمال را از طریق خلیج فارس صادر کند و یا با شورویها قراردادی داشته باشد که از راه قفقاز نفت صادر کند.

دولت و ملت ایران از اعطای امتیاز به شرکت استاندارد خودداری کرد زیرا شرکت مزبور با انگلیسیها بست‌وبندی کرده بود و امتیاز را به سینکلر واگذار کرد که مدعی بود مستقلاً به عملیات استخراجی خواهد پرداخت. همین که دولت شوروی قرارداد خود را (قبل از قتل ایمری) با کمپانی سینکلر لغو کرد و معلوم شد که شرکت سینکلر نخواهد توانست نفت شمال را از راه قفقاز صادر نماید امتیاز به خودی خود متفی گردید... و چند ماه بعد دولت ایران حاضر شد که ماده مربوط به فرضه ده میلیون دلار را هم از شرایط امتیاز حذف کند تا کمپانی سینکلر به قبول امتیاز تن دردهد ولی این گذشت بزرگ را هم کمپانی سینکلر قبول نکرد و امتیاز را رد کرد.^{۳۷}

به هر ترتیب بعد از قتل ماژور ایمری روابط سیاسی ایران و آمریکا وارد مرحله تازه‌ای شد. دولت آمریکا خواهان محاکمه و اعدام عاملان قتل شد و به دنبال آن محکمه نظامی حکم قتل سه تن را که متهم به دست داشتن در این ماجرا شده بودند صادر نمود. اما دادگاه استیناف در حکم دو نفر از متهمان تعدیل قانونی نمود و حکم آنها را به حبس ابد تغییر داد. آمریکاییها که شدیداً پیگیر این ماجرا بودند و اصرار زیادی بر اعدام آن دو نفر داشتند، دولت ایران را به قطع روابط سیاسی تهدید نمودند. متعاقب آن وزارت امور خارجه ایران در تاریخ ۴ عقرب/ آبان ۱۳۰۳ش به حسین علاء دستور داد به مذاکره با مقامات آمریکایی پرداخته رفع سوء تفاهم نماید:

... در واقعه قتل ویس قونسول آمریکا بین دولت ایران و آمریکا در موضوع اجرای احکام اعدام سوء تفاهمی روی داده. محکمه نظامی سه نفر را محکوم به اعدام نموده

۳۶. ژرژ لنچافسکی، غرب و شوروی در ایران، سی سال رقابت، ترجمه حورا باوری، تهران، انتشارات ابن سینا،

۳۷. مصطفی فاتح، صص ۳۴۱ و ۳۴۲.

و برای دو نفر از آنها قانوناً تخفیف مجازات را تقاضا نموده و محکوم به حبس ابد گردیدند. دولت آمریکا اصرار دارد که دو نفر دیگر هم اعدام شوند. اعدام سه نفر به جای یک نفر برخلاف قوانین مملکتی است و اخیراً دولت آمریکا اعلام کرده است، هرگاه این دو نفر اعدام نشوند موضوع ترک روابط یا تحدید روابط خود را با ایران مورد مطالعه قرار خواهند داد. جناب عالی مأموریت دارید فوراً به واشنگتن رفته رفع سوء تفاهم بنمایید. سوابق این کار در سفارت موجود است. از تهران هم سواد کلیه نوشتجات با چاپار مخصوص ما به وسیله پست هوایی فرستاده می‌شود. مأموریت شما به وسیله شارژدافر به وزارت خارجه آمریکا اطلاع [داده شد] و به سفارت تهران نیز ابلاغ گردید.^{۳۸}

با این حال پس از مدت کوتاهی دولت ایران، به منظور حفظ روابط سیاسی خود با دولت آمریکا، ناچار به تجدیدنظر در مجازات آن دو نفر گردید و به علاء دستور داد فوراً به وزارت خارجه آمریکا برود و اعلام کند که «دولت ایران برای اینکه بیش از پیش حسن نیت خود را ثابت نموده و علاقه مفراط خود را به حفظ و تحکیم روابط موجود بین مملکتین مشهود سازد در نظر گرفته است که در مجازات آن دو نفر تجدیدنظر بنماید و امیدوار است بتواند به طریقی منظور دولت آمریکا را حاصل کند...»^{۳۹}

سرانجام در ۱۲ عقرب/ آبان ۱۳۰۳ دستور زیر به سفیر ایران در آمریکا داده شد:

به وزیر امور خارجه اظهار دارید برای ابراز حسن نیت به آمریکا در حکم سیدحسین و علی تجدیدنظر نموده و در نتیجه اعدام شدند.^{۴۰}

اعدام این دو نفر نه تنها موجب توسعه روابط سیاسی ایران با آمریکا نگردید بلکه از این زمان به بعد روابط دو کشور رو به سردی نهاد و برای مدتی زمینه فعالیت اقتصادی آمریکاییان در ایران دچار مشکل شد.

۲. استخدام مستشاران مالی آمریکا

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، یکی دیگر از اقدامات علاء در دوران سفارت خود در آمریکا استخدام مستشاران مالی آمریکا به ریاست دکتر میلسپو جهت اصلاح مالیه ایران بود.

۳۸. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۰۳ش، کارتن ۹، دوسیه ۳۷.

۳۹. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۰۳ش، کارتن ۹، دوسیه ۳۷.

۴۰. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۰۳ش، کارتن ۹، دوسیه ۳۷.

استخدام مستشاران مالی آمریکا برخلاف جریان امتیاز نفت شمال - که با مخالفت انگلستان مواجه شد - با هماهنگی کامل و مشورت با مقامات انگلیسی انجام گرفت. چه پیش از این مشیرالدوله که ریاست وزراء را به عهده داشت، کرزن را متقاعد ساخته بود که استخدام مستشاران انگلیسی «تنها بهانه‌ای به دست دشمن مشترک آنان، یعنی اتحاد جماهیر شوروی خواهد داد، و باعث مخالفت آنها و لهذا تضعیف منافع بریتانیا خواهد شد. از این رو عقل حکم می‌کرد که به منظور وحدت میان منافع ایران و بریتانیا و آمریکا، که یکی از شرایط ضروری برای احداث یک سد مستحکم در برابر اعتراضات و رسوخ شوروی است مشاورین آمریکایی استخدام گردند.»^{۴۱}

ابتدا این پیشنهاد به مستر شوستر - که پیش از این در سالهای بعد از مشروطه به استخدام دولت ایران در آمده بود و دارای سابقه نسبتاً خوبی در نزد ایرانیان بود - داده شد لیکن وی از پذیرش چنین مسئولیتی خودداری ورزید و به جای خود دکتر میلسپورا به علاء معرفی نمود.

علاوه بر محبوبیتی که شوستر در ایران داشت عوامل زیر را می‌توان به عنوان دلایل علاقه دولت ایران به استخدام کارشناس از آمریکا ذکر نمود:

- دولت آمریکا از تقاضای دولت ایران مبنی بر حضور در کنفرانس صلح ورسای حمایت کرده بود.

- دولت آمریکا مخالفت صریح خود را نسبت به قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس داشته بود.

- دولت آمریکا در آن زمان نقش بی‌طرفانه‌ای در امور بین‌الملل ایفا می‌کرد و خود را حامی ملت‌های ضعیف معرفی می‌نمود.

- دولت آمریکا سوابق نسبتاً خوبی در میان ایرانیان داشت.

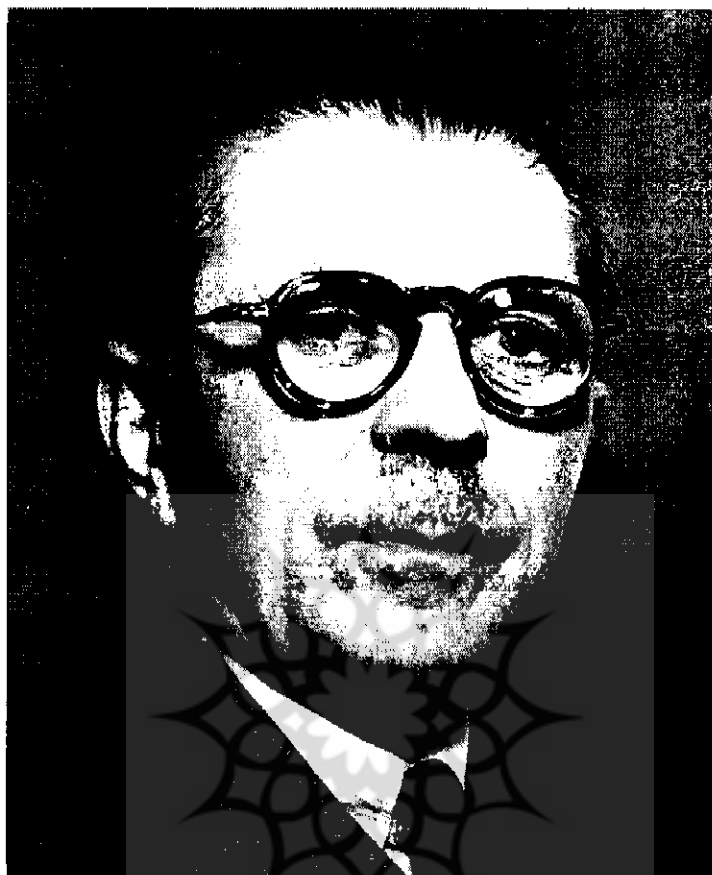
- با جلب سرمایه‌های آمریکایی خطر حضور بیشتر انگلیس در ایران از میان می‌رفت و زمینه‌ای برای رقابت و خصومت میان انگلستان و آمریکا فراهم می‌شد.

کرزن نیز که به این امر پی برده بود ضمن موافقت با ورود هیئت آمریکایی به ایران، هشدار داد: از آنجایی که تمام دولتهای ایران تمایل دارند برای کسب هرچه بیشتر مزایای ممکن قدرتی را بر ضد قدرت دیگر به رقابت وادار سازند، دولتین [بریتانیا و آمریکا] باید در این مورد هشیار باشند.^{۴۲}

۴۱. علی اصغر زرگر. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه. ترجمه کاوه بیات. تهران.

انتشارات پروین و انتشارات معین، ۱۳۷۲. ص ۱۰۵.

۴۲. همان، ص ۱۰۶.



حسین علاء [۸۹-۴]

به هر حال علاء مذاکرات لازم را با دکتر میلسپو به عمل آورد و نتیجه این مذاکرات را به دولت ایران گزارش داد. سپس قوام السلطنه لایحه استخدام مستشاران آمریکایی را در ۱۵ ماده به مجلس شورای ملی تقدیم کرد و از مجلس تقاضا نمود هر چه زودتر آن را به تصویب برساند. لایحه با مختصر تغییراتی به تصویب مجلس رسید و دکتر میلسپو به عنوان رئیس کل مالیه ایران با حقوق سالیانه ۱۵۰۰۰ دلار برای مدت پنج سال استخدام شد و در رأس سه سال هر یک از طرفین حق فسخ داشتند.^{۲۳}

میلسپو در مقدمه کتاب خود در مورد انتظارات و امیدهای مردم ایران به هنگام ورود هیئت مستشاران مالی آمریکایی می‌نویسد:

۲۳. باقر عاقلی، نصرت‌الدوله فیروز، از رویای پادشاهی تا زندان رضاشاهی، تهران، نامک، ۱۳۷۳، ص ۲۰۵.

به هنگام ورود هیئت مالی آمریکا به ایران در پاییز سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۱ش) یکی از روزنامه‌های تهران با چنین جملاتی از ما استقبال کرد: «شما آخرین پزشکی هستید که به بالین مریضی مشرف به موت آمده‌اید؛ اگر موفق نشوید مریض می‌میرد و گرنه زنده خواهد ماند... ما برای ورود شما ابراز احساسات نمی‌کنیم ولی چنانچه در کار خود پیروز شدید آن وقت شایسته تحسین خواهید بود.»^{۴۴}

عبدالله مستوفی نیز در مورد ورود میلسپو به ایران و نحوه فعالیت‌های او می‌نویسد:
 دکتر میلسپو و همراهانش در تاریخ ۲۷ عقرب (آبان) وارد شدند و رؤسای وزارت مالیه در همان روزهای بدو ورود، در پارک مخبرالدوله به رئیس کل مالیه معرفی گشتند. در محل وزارت مالیه... دفتر کار او برقرار گردید. ماک کرماک رئیس مالیات مستقیم و غیرمستقیم و مکاسکی رئیس خزانه و گور رئیس محاسبات و پیرسن رئیس دفتر، اولی در تشخیص عایدات و دومی در خزانه و سومی در محاسبات و چهارمی در دفتر کل مالیه با همان رؤسا و اعضای ایرانی مشغول کار شدند... قانون تشکیلات مالیه کماکان برقرار ماند، مراسلات وزارتخانه بدو با امضای میلسپو می‌رسید و بعد وزیر مالیه هم آن را علی‌الرسم امضا می‌کرد...^{۴۵}

مستوفی همچنین می‌نویسد: میلسپو در گردش امور اداری کار شایانی نکرد و رؤسای ولایات و مرکزی همان ایرانیها بودند و طرز وصول هم به همان شکل گذشته بود. وی در ادامه این مطلب می‌افزاید:

روابط بین سردار سپه و رئیس کل مالیه خوب بود. علاوه بر بودجه چهاردیواری، برای فوق‌العاده و خریدهای وزارت جنگ، از محل افزایش روزافزون عایدات نفت جنوب و مازاد درآمد گمرکات ما سهم حسابی به این وزارتخانه می‌رسید و در بودجه سالهای بعد که میلسپو باز هم به همان طرز چهاردیواری به مجلس می‌فرستاد، حوائج سردار سپه را برآورده و او را از تصرف ادارات مالیه بی‌نیاز می‌کرد و گاهی که مصارفی در اواسط سال خارج از میزان عادی فوق‌العاده پیش‌بینی شده برای وزارت جنگ پیش می‌آمد، محل آن از بقایای سنواتی منتفدین بود که چون کشور امن و دولت مقتدر شده و ممکن بود از بدهکاران نیز استنقاذ شود، به وسیله مأمورین مالیه و گاهی مأمورین مخصوص رئیس کل مالیه، تشخیص و حواله آن به

۴۴. میلسپو. مأموریت آمریکاییها در ایران. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۶. ص ۲۹.

۴۵. عبدالله مستوفی. شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. چاپ دوم. تهران، زوار،

۱۳۴۱. ج ۳، ص ۵۲۸ و ۵۲۹.

وزارت جنگ داده می‌شد که با قدرت زیاد سردار سپه وصول و ایصال شود.^{۲۶}

روی هم رفته می‌توان گفت که فعالیت هیئت آمریکایی برای کشور مفید بود. این هیئت «سازمان اداری و وزارت مالیه را اصلاح و گردآوری عواید را انتظام داده و نظارت به مراتب مؤثرتری بر مخارج اعمال نمودند و بر دور باطل کسری بودجه خاتمه داده و بر اعتبار دولت افزودند و برای رشته‌های تولیدی و فواید عامه و جوهی منظور داشتند.»^{۲۷} از پیامدهای دیگر، ورود مستشاران مالی آمریکایی به ایران، به وجود آمدن حس اعتماد و اطمینان در بین سرمایه‌داران آمریکایی در مورد سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران بود. افزون بر اینکه علاء وزیرمختار ایران در آمریکا تلاشهای زیادی در این زمینه نمود. وی با ایراد سخنرانیهای مختلف در شیکاگو و جاهای دیگر سعی کرد با ایجاد حس اعتماد در بین سرمایه‌داران آمریکا آنان را به سرمایه‌گذاری در ایران تشویق کند. با این حال عدم اطلاع دقیق آمریکاییها از اوضاع سیاسی، اقتصادی ایران مانع از سرمایه‌گذاری آنان می‌شد. این بود که آنان منتظر دریافت گزارشهایی از هیئت مستشاران مالی آمریکا راجع به اوضاع اقتصادی ایران بودند. در نامه‌ای که علاء در تاریخ اول جدی (دی) ۱۳۰۱ش / ۲۳ دسامبر ۱۹۲۲م از سفارت ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه ایران ارسال کرده است بر این موضوع تأکید ورزیده می‌نویسد:

... امروز C. L. Waggell یکی از مدیران بانک معروف نیویورک شرکت ویلیام رید* که داماد وزیر خارجه است به ملاقات بنده آمده. در ضمن مذاکرات اظهار می‌داشت که بانک مزبور نیز پس از بهبودی اوضاع فعلی بسیار مایل به مصرف سرمایه در ایران و مساعدت با دولت می‌باشند، و تصور می‌کرد تا چند ماه دیگر تغییرات عمده پیدا خواهد شد و افق روشن‌تر می‌شود. برای تقدیم پیشنهادهای قطعی منتظر بروز اقدامات دکتر میلپو و راپرت‌های مشارالیه می‌باشد. ملاحظه می‌فرمایند که امریکاییها روز به روز بیشتر متوجه به ایران می‌شوند. بنده اینجا برای گرم نمودن آنها از مجاهدات لازمه قصور نخواهم نمود و نطقهای مختلفه که در شیکاگو و جاهای دیگر داده‌ام البته بی‌اثر نبوده است. ولی این تنها کافی نخواهد بود. و لازم است اخبار واصله از ایران و راپرت‌های دکتر میلپو و نتیجه عملیاتش نیز مؤید و پشتیبان اقوال بنده باشد.^{۲۸}

۲۶. همان، ص ۵۳۰.

۲۷. علی‌اصغر برزگر، پیشین، ص ۱۰۶.

* William Read Co.

۲۸. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰ق، کارت ۲۳.

به‌رغم تلاش‌های زیاد علاء برای جلب توجه سرمایه‌داران آمریکایی به سرمایه‌گذاری در ایران، میلپو در کار خود در ایران با مشکلاتی روبه‌رو شد و سرانجام مجبور به ترک این کشور گردید و موضوع سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در ایران هم متفی شد. مهم‌ترین دلیل ناکام ماندن این تلاش را مخالفت‌های صریح دولت بریتانیا، شوروی و رضاخان تشکیل می‌داد. چون اقدامات میلپو برخلاف منافع بریتانیا بود «مثلاً وی مسئول لایحه تأسیس بانک ملی ایران بوده، بانکی که وی در نظر داشت آن را به یک بانک مرکزی تبدیل کرده و به این ترتیب بانک شاهنشاهی ایران را از صحنه خارج کند.» از سوی دیگر مخالفت جدی میلپو در قبال ادعاهای بی‌اساس انگلستان در مورد بدهی ایران به آن کشور به تیرگی این روابط می‌افزود. افزون بر اینکه وی هرگونه توصیه مقامات انگلیسی را غیرقابل قبول تلقی می‌کرد و از نزدیکی با آنها احتراز داشت. دولت شوروی نیز به دلیل اینکه میلپو با اعطای امتیاز ماهیگیری شمال به آن کشور مخالفت کرده بود، نظر مساعدی نسبت به او نداشت. علاوه بر این رضاخان نیز که خواستار افزایش بودجه ارتش بود به مخالفت با او پرداخت.^{۴۹}

یحیی دولت‌آبادی در مورد علت نارضایتی حکومت نظامی و دیکتاتوری رضاخان از نحوه فعالیت میلپو و همکاران آمریکایش می‌نویسد:

میلپو پایه کار خود را روی قانون‌گذاری می‌خواهد هرچه می‌کند مطابق مقررات مجلس شورای ملی بوده باشد و با حکومت نظامی و دیکتاتوری (به گفته گویندگانش) همراه نیست و نمی‌تواند همراه باشد. از طرف دیگر، سردار سپه نمی‌خواهد در کار مالیه تابع نظریات آمریکاییان بوده باشد.^{۵۰}

دولت‌آبادی همچنین می‌نویسد میلپو درآمد ملی را متمرکز کرد و زمام امور مالیه را برطبق قانون شخصاً عهده‌دار شد. وی می‌خواست از اختیارات زیادی که مجلس به او داده بود استفاده کند و بر هزینه و درآمد هر وزارتخانه نظارت داشته باشد. از این رو میان او و نظامیان که حاضر نبودند تحت نظارت او درآیند غالباً کشمکش وجود داشت. میلپو می‌خواست تمامی وزارتخانه‌ها به یک میزان مساوی حقوق بگیرند اما سردار سپه می‌خواست نیمی از درآمد کشور به وزارت جنگ اختصاص پیدا کند و بودجه آن وزارتخانه مقدم‌تر از همه وزارتخانه‌ها پرداخت شود. سرانجام، برخی از رجال داخلی و خارجی به میلپو گوشزد کردند که با توجه به مقتضیات خاص ایران، و به خصوص در

۴۹. علی‌اصغر زرگر، پیشین، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۵۰. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، چاپ دوم، تهران، انتشارات عطارد - فردوسی، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۳۰۷.

طول مدت حکومت نظامی، امکان قانونی عمل کردن وجود ندارد. بنابراین او باید مطابق با اوضاع و احوال سیاسی کشور رفتار نماید و اگر می‌خواهد به کار و فعالیت خود ادامه دهد بایستی سردار سپه را از خود خشنود سازد. میلسپو نیز به این توصیه‌ها گوش فرا داده سعی می‌کرد اختلافات خود را با سردار سپه کاهش دهد، به ویژه آنکه در این زمان علاء جمعیتی در تهران به نام «دوستان اتحادیه ایران و آمریکا» تشکیل داده بود. تأسیس این جمعیت تا حدودی موجب مساعدت معنوی نسبت به مستشاران آمریکایی و بهتر شدن روابط دولت ایران با هیئت مذکور شد. با وجود این سردار سپه همواره تلاش می‌کرد که عذر میلسپو را بخواهد تا بدون هیچ مانعی بتواند در امور مالی کشور دخالت کند، به ویژه آنکه افراد چاپلوس اطراف او هم از دامن زدن به این کار خودداری نمی‌کردند.^{۵۱}

در این زمان که علاء از سفارت ایران در واشنگتن برگشته بود و به نمایندگی از سوی مردم تهران در مجلس دوره پنجم حضور داشت، تلاش زیادی برای رفع اختلافات میان میلسپو و مستشاران آمریکایی با سردار سپه به خرج داد که البته مفید واقع نشد. علاء در نامه‌ای که به برادرش (احتمالاً مهدی) نوشته است به این موضوع اشاره کرده می‌نویسد: بیشتر هم خود را مصروف اصلاح کار مستشاران می‌کنم. میل دارم روابط میلسپو را با وزراء صمیمانه کنم. تا اندازه‌ای هم پیشرفتهایی شده بدون آنکه من خود را زیاد طرف کرده باشم.^{۵۲}

میلسپو نیز در کتاب خود از همکاری و مساعدت علاء و برخی دیگر از نمایندگان مجلس با هیئت آمریکایی به خوبی یاد کرده می‌نویسد: در مجلس گروهی هستند که صمیمانه به تحکیم موقعیت هیئت آمریکایی اعتقاد دارند. در میان این وکلا می‌توان از مستوفی‌الممالک و مشیرالدوله، کیخسرو شاهرخ وکیل زرتشتیان، حسین خان علانی و تقی‌زاده نام برد.^{۵۳} و در جای دیگر می‌نویسد:

هیئت آمریکایی در انجام مأموریت خود هیچ‌گاه تنها نبود. چون قبل از ورود ما زمین آماده و بذر پاشیده شده بود و به طوری که مشیرالدوله چند هفته پیش به من گفت: در این مأموریت همیشه عده کثیری از ایرانیهای متنفذ، پشتیبان هیئت بوده‌اند.^{۵۴}

البته باید خاطر نشان ساخت که حمایت افرادی نظیر رضاخان، کیخسرو شاهرخ و

۵۲. ابراهیم صفایی، پیشین، ص ۲۳۶.

۵۱. همان، صص ۳۰۷ و ۳۰۸.

۵۴. همان، ص ۲۷۴.

۵۳. میلسپو، ص ۲۰۵.



حسین علاء وزیرمختار ایران در آمریکا به اتفاق چند تن از شهروندان آمریکایی [۵۸۰-۱]

و به سؤالاتی که در مورد اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران شده پاسخ داده است. وی در همین نامه شرح مفصلی از مسافرت خود به شهرهای دیگر آمریکا و ایراد سخنرانی و تبلیغ در مورد اوضاع اقتصادی ایران برای جلب سرمایه‌داران و مراکز صنعتی آمریکا جهت سرمایه‌گذاری در ایران آورده و از دولت ایران درخواست کرده است جهت اطلاع بیشتر آمریکاییها هر هفته ورقه‌ای در مورد اصلاحاتی که مستشاران آمریکایی در ایران انجام می‌دهند، منتشر نماید.^{۵۷} او در مکاتبات متعددی که با وزارت امور خارجه ایران داشته است بر توسعه روابط اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، فرهنگی و آموزشی ایران با آمریکا تأکید می‌ورزد و از دولت ایران می‌خواهد تا زمینه‌های لازم را برای ایجاد چنین رابطه‌ای فراهم آورد. برای نمونه، در نامه‌ای از نامه‌های فراوان او که در این مورد به وزارت امور خارجه نوشته شده چنین آمده است:

... چنانچه ملاحظه می‌فرمایند افکار به طرف ایران مساعد شده و خواهد شد. استفاده از این موقع و مساعدت آمریکا تمام منوط است به استقرار نظم و عدالت در داخله و ثبات دولت در ادامه سیاست خود راجع به اصلاحات.^{۵۸}

۵۷. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۴۰ ق ۱۳۰۱ ش، کارتن ۲۳، دوسیه ۵.

۵۸. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۰۱ ش، کارتن ۲۳، دوسیه ۱.

او در نامه دیگری که در تاریخ ۸ برج حمل (فروردین) ۱۳۰۲/۲۹ مارس ۱۹۲۳ به وزارت امور خارجه ایران ارسال کرده است از دولت تقاضا می‌کند با کمپانی یولن^{۵۹} در خصوص عملیات در ایران همکاری شود. همچنین می‌نویسد در تاریخ ۱۵ مارس به نیویورک رفته و در معیت مستر شوستر با رؤسای کمپانیهای آمریکایی مذاکره کرده است. علاء در این دیدار نظریات دولت ایران در مورد اصلاحات را بیان می‌کند و در پایان جلسه، نظریه پیشنهادی مورگان شوستر در مورد نحوه اصلاحات در ایران مطرح می‌شود. در این نظریه قید شده بود که «عملیاتی که در ایران باید شود نمی‌بایستی از روی استقراء و تکه‌تکه شروع بشود بلکه ابتدا از روی کمال بصیرت احتیاجات ایران باید معلوم شود و ثروت ظاهری و باطنی آن از حیث جنگلها، اهمیت فلاحت، معادن و غیره به حساب درآید. سپس از روی این ارقام می‌توان به سهولت دریافت که از کجا کار را باید شروع نمود و چه احتیاجاتی وجود دارد.» علاء در پایان اظهار امیدواری کرده است که دولت ایران «بذل مساعدت کرده اجازه بدهند از وجه استقراض، که انشاءالله به زودی صورت خواهد گرفت، مبلغ لازمه برای اعزام این هیئت کنار گذارده و به مصرف این کار برسد.»^{۶۰}

همچنین در مورد توسعه روابط تجاری ایران با آمریکا، به پیوست نامه خود به وزارت امور خارجه گزارش کنسول ایران در شیکاگو، مبنی بر وجود موقعیت مساعد برای ورود کالاهای ایرانی به شیکاگو و نیز تهیه اجناس مورد نیاز ایران از آنجا، را ارسال داشته است. در بخشی از گزارش کنسول ایران در شیکاگو چنین آمده:

... شیکاگو، یا اقلاً حوزه فنسولگری شیکاگو، هر جنسی را که ایران لازم داشته باشد می‌تواند بفرستد و در عوض بهترین بازار امتعه ایران خواهد گشت. شیکاگو و ایران به حوائج یکدیگر خوب بصیرت دارند و لهذا ایجاد و توسعه وسائل ارتباطیه و نقلیه لازم است.^{۶۱}

علاء برای باز کردن راه جهت تحصیل دختران ایرانی در آمریکا از پیشنهاد و اعطاء بورس یکی از کالج‌های آمریکایی استقبال می‌کند و در این زمینه در گزارشی به وزارت خارجه می‌نویسد:

هیئت رئیسه مدرسه Fieldston College که جهت دوشیزگان در واشنگتن تأسیس

59. Ulen & Company.

۶۰. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۰۲ش، کارتن ۲۳، دوسیه ۱۹.

۶۱. همان، سال ۱۳۰۱ش، کارتن ۲۳، دوسیه ۸.

شده است شرحی به این سفارت نوشته اشعار می‌دارد که حاضر است تا میزان ۱۵۰ دلار در سال برای مخارج تحصیل یک نفر دختر ایرانی‌الاصل کمک کند. به این ترتیب محصله مزبوره عوض ۶۰۰ دلار مخارج فقط ۴۵۰ دلار مصارف خوراک و غذا را خواهد داد. ورقه شامل عکس مدرسه و توضیحات راجعه به ترتیب تحصیل و زندگی در مدرسه مزبور را لفاً ارسال داشته که به وزارت معارف بفرستید؛ در صورتی که محصله داوطلب آمدن به آمریکا باشد ممکن است توسط این سفارت به مدرسه مزبور معرفی شود. ۱۷ جدی ۱۳۰۰. ۶۲

وی همچنین درخصوص فعالیتهای علمی - فرهنگی و طبیی چهار مؤسسه بزرگ آمریکا راکفلر و ضرورت ایجاد ارتباط با مؤسسه‌های مذکور جهت تحصیل شاگردان ایرانی در آمریکا می‌نویسد که تاکنون درصدد جلب توجه این مؤسسه‌های برای دادن تسهیلات لازم به منظور تحصیل شاگردان ایرانی در آنجا می‌باشد. وی اضافه می‌کند که: سرمایه راکفلر در استاندارد اوپل، که مشغول مذاکره امتیاز نفت شمال ایران است، کار می‌کند و بعد از صورت گرفتن امر امتیاز نفت، زمینه جلب مساعدت از مؤسسه راکفلر آسان‌تر خواهد شد. به عنوان نمونه، دولت آمریکا طلبی را که از زمان شورش بوکسورها از چین داشت گذشت نمود، به این شرط که به مصرف تربیت جوانان چینی برسد و از آن وقت هزاران جوان چینی به آمریکا آمده تحصیل می‌کنند و مخارج آنها از محل مزبور پرداخته می‌شود. ۶۳

در زمینه تحقیقات کشاورزی نیز با ارسال اخبار مربوط به تحقیقات کشاورزی در آمریکا، به ویژه در مورد کشت پنبه و نتیجه آخرین تحقیقات آمریکاییها در زمینه‌های مختلف کشاورزی، از دولت ایران درخواست شده است که از تجارب آنها استفاده شود. ۶۴ علاء همچنین با ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه از دولت ایران می‌خواهد با پروفیسور هنری واشینگتن، معلم علم جغرافیای طبیعی، که در مورد کوه دماوند - اینکه در چه زمان آتشفشان کرده و آیا حالیه هم تصور احتراق می‌رود و اثراتی بروز می‌کند یا خیر - تحقیق می‌نماید، همکاری لازم به عمل آید. ۶۵

۶۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰ق، کاترین ۲۳، دوسیه ۲.

۶۳. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰ق، کاترین ۲۳، دوسیه ۲.

۶۴. همان. ۶۵. همان.

حاصل کلام

به هر حال تلاشهای همه جانبه علاء برای دریافت وام از ایالات متحده به علت دسایس پشت پرده دولت بریتانیا و شرکت نفت انگلیس و ایران و شرکت نفت استاندارد و همچنین عدم توانایی شرکت سینکالر در فراهم ساختن وام برای دولت ایران^{۶۶} و نیز به علت تیرگی روابط آمریکا با ایران که بعد از واقعه قتل مازور ایمری در تهران صورت گرفت منتج به نتیجه‌ای نشد.

از سوی دیگر اقدامات میلسپو نیز با مخالفت دولت بریتانیا، اتحاد جماهیر شوروی و رضاخان مواجه شد و بالاخره رضاخان که اقتدار میلسپو بر نحوه مخارج ارتش را خلاف منافع خود می‌دید به مخالفت علنی با او پرداخت و میلسپو که در چنین وضعی نمی‌توانست به کار خود ادامه دهد در ۱۳ مرداد ۱۳۰۶ ایران را ترک گفت؛ و وقوع چنین حوادثی نشان داد که هنوز زمینه‌های سیاسی لازم جهت حضور آمریکا در ایران به وجود نیامده بود، و یا لاقلاً کسانی بودند که مانع از ایجاد چنین رابطه‌ای می‌شدند. البته باید خاطر نشان ساخت که تا این زمان هنوز ماهیت امپریالیستی دولت آمریکا چندان آشکار نشده بود و این امر باعث شد بسیاری از رجال سیاسی آن روز ایران برقراری چنین رابطه‌ای را نه تنها مضر به حال کشور ندانند بلکه راه رهایی و سعادت ایران را در پرتو ایجاد چنین ارتباطی ببینند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی